

سخن سردبیر

این روزها هم بعضی از اهل قلم هم شماری از ناشران که در اندیشه و داوری منصف و معتدل اند، تصدیق می‌کنند که سختگیریها و نظرتنگیهای وزارت ارشاد، در دولت فعلی نسبت به نویسندگان و ناشران مقداری کمتر از سالهای گذشته شده است. این تغییر سیاست متولیان و ناظران سرمایه‌های فکری و ذوقی کشورمان طلیعه امیدبخشی است که بی‌گمان ثمرات نیکوی آن عاید همگان خواهد شد، گو اینکه هنوز هستند بسیاری که سکوت خفقان آور، یکنواختی، و کارهای تکراری و عاری از ابداع و نوآوری گذشته را ترجیح می‌دهند چون می‌پندارند که این درد سرش کمتر است، ولی به آسیبهای اجتماعی و فرهنگی چنان رویه‌ای نمی‌اندیشند.

به نظر می‌رسد سی و اندی سال تجربه و آزمایش و خطا در امر سانسور، لااقل گروهی از مدیران و سیاستگذاران واقع بین کشور را به این نتیجه رسانده که اعمال نظارت بیش از اندازه و خلاف منطق، و بهانه تراشیهای رنگارنگ، به قول امروزها، جواب نمی‌دهد و بد را بدتر می‌کند. سانسور سیاسی نباید جای هدایت علمی را بگیرد. معنای «ارشاد» هدایت است و راهنمایی، نه ممانعت و سد کردن چشمه‌های ذوق و اندیشه به نام پاسداری از ارزشهای اخلاقی - مذهبی و مصالح نظام. بسیاری از موارد ایراد بر رسهای کتب و نشریات نه ضد اخلاق است، نه ضد مذهب و نه ضد

نظام. اشکال کار اغلب در کلیشه‌ای و «مکانیکی» برخورد کردن با تولیدات فکری و هنری ارباب ذوق و اندیشه است. سیاهه «این باشد و آن نباشد»ی که پس از ماهها، حتی سالها معطلی و بلا تکلیفی، وزارت ارشاد از طریق ناشر به دست نویسنده یا مترجم می‌دهد تا در اثر خود اعمال کند، همه یکسویه و فقط با دستورها و ضوابط از پیش تعیین شده منطبق است و تشخیص فکری و هنری و دیدگاههای آفرینندگان آثار ارزیابی شده در دفاتر کار بررها هیچ به حساب نیامده است. بنابراین، میدان و مقدار حضور فکری - ذوقی صاحب اثر، نه به اختیار او، که بسته به میل و نظر بررس کار اوست. مؤلف یا مترجم در مقابل آن سیاهه کذایی یکی از دو راه را باید برگزیند: یا آن را نپذیرد و از نشر اثرش صرف نظر کند و، در نتیجه، زحمت چندین ماهه یا چندین ساله‌اش را بر بادرفته بینگارد، یا به پیشنهادهای کلیشه‌ای تن در دهد و اثر خود را مخدوش و معیوب کند، یعنی پاره‌ای چیزها را که در کتاب هست نیست کند و احیاناً چیزهایی را بیفزاید که در کتاب نیست؛ و بدیهی است که افزودن بلاوجه، مخصوصاً، به ترجمه یک کتاب نوعی خیانت به حساب می‌آید. اسرائیل، غاصب، خونریز، متجاوز، نژادپرست و هر چه از آن بدتر نباشد، درست و به جای خود، ولی شما را به انصافتان قسم! از مترجم نخواهید به جای این نام در ترجمه‌اش بنویسد: «رژیم غاصب صهیونیستی» یا «رژیم جعلی صهیونیستی». از بررس محترم توقع می‌رود که «حضور» را به جای «سلطه» پیشنهاد نکند و انصاف دهد که اگر، به پیشنهاد او، از ترجمه کتابی سیصد صفحه‌ای دست‌کم پنجاه مورد (از یکی دو عبارت تا یکی دو صفحه) حذف شود، نتیجه شیری «بی یال و دم و اشکم» بیش نخواهد بود؛ ضمن اینکه دور ریختن این مقدار از کتابی که مندرجاتش متعلق به دیگری است، از مصادیق بارز تجاوز به حقوق غیر است. حقیقت علم تلخ را تلخ و شیرین را شیرین معرفی می‌کند؛ بازار دستکاری در کالای دیگران «از آن سوی دیگر است». حرف و شعار آسان‌ترین ولی کُندترین حربه مبارزه با بی‌رسمیها و مفاسد است.

ارباب نگارش و نشر بسیار امیدوارند که سیاست فرهنگی نسبتاً معتدل و ملایمی را که وزارت ارشاد در ماههای اخیر در پیش گرفته است مقتدرانه و بی‌احساس تزلزل بیش از پیش ادامه دهد و بررسهای ارجمند مواد چاپی، دیگر متقاعد شده باشند که خواندن کلمه بی‌گناه «باده» که آرام بر صفحه کتاب نشسته، خواننده را «باده‌خوار» نمی‌کند؛ بپذیرند که «شیرین دهان به گفتن حلوا نمی‌شود». جامعه به طرق دیگری اصلاح می‌شود؛ اگر مبانی آن سالم و استوار بود، با خواندن صرف کلمات، ناسالم و ناستوار نمی‌شود:

آزاده‌رو مقید عالم نمی‌شود
عیسی اسیر رشته مریم نمی‌شود
از صحبت بدان نشود طبع راست کج
از اتصال حرف الف خم نمی‌شود



